

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۳۰ تیرماه ۱۳۲۲

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات آقای وزیر فرهنگ
- ۳ - سؤال آقای نمة الاسلامی از آقای وزیر راه و پاسخ ایشان
- ۴ - بقیه شور دوم لایحه آموزش و پرورش عمومی
- ۵ - موقع دستور جنبه بعد - ختم جلسه

(مجلس دو ساعت و ربع پدش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز ۲۸ تیر ماه را آقای (هاشمی) منشی قرائت نمودند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد.

[۲ - بیانات آقای وزیر فرهنگ]

وزیر فرهنگ (دکتر سیاسی) - توجه آقایان

نمایندگان محترم را یکبار دیگر بازوم تسریع تعیین تکلیف قانون تعلیمات اجباری که مطرح است جلب میکنم عده کثیری از مردم انتظار تصویب این قانون را دارند بنده عرض نمیکنم همه ملت ایران در انتظار هستند زیرا که بدبختانه همه ملت ملتفت این نیستند که این قانون اجزایش در

سر نوشت این کشور و اوضاع و احوال آنان چقدر مؤثر است ولی هزاران آموزگار و معلم و کارمندان فرهنگی هستند که همه در انتظار و نگرانند این قانون پس از آنکه تصویب شد باید آئین نامه های آن از کمیسیون فرهنگ بگذرد و این کار هم البته وقت می خواهد در صورتیکه ما چند روز بیشتر بشهریور ماه یعنی آغاز کار مدارس نداریم این است که تقاضا میکنم نمایندگان محترم امروز را لطفاً از نطق قبل از دستور صرف نظر فرمایند (صحیح است) شاید امروز بالطف آقایان محترم بقیه مواد این قانون بتصویب برسد.

* * * عن مذاکرات مشروح یکصد و هشتاد و چهارمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن هیئت مجلس خوانده شده است:

غائبین با اجازه - آقایان: دکتر سیمینی - دکتر سنجک - دادور - فاطمی - مشیردواز - شجاع - عطاء الله بالیزی - ممتصم سنگک - فرشچی - بازار احمدی - سلطانپور - صادق وزیرلی - نقابت - کامل ماکو - حریری - مهدب - فرمانفر مائیان - دیر آمدگان بی اجازه: آقایان: مسعودی غرابانی - سیزاوار - لطفوانی - زاجری - اکبر - نیکبورد - خیر و بیاهی - نعلو - نهران

۳- سوال آقای ثقة الاسلامی از آقای وزیر راه

و پاسخ ایشان] -

رئیس - آقای ثقة الاسلامی از آقای وزیر راه سوالی داشتید ایشان برای جواب حاضرند بفرمائید.

ثقة الاسلامی - عرض کنم که یک ماه قبل بنده از آقای وزیر راه بتوسط مقام ریاست سوالی کرده بودم راجع براه آهن بین میانه و زنجان با فقدان وسائل حمل و نقل و نبودن لاستیک و اتومبیل آذربایجانی ها و کسانیکه با آذربایجان رفت و آمد می کنند بین زنجان و میانه و آذربایجان خیلی در زحمت هستند و این راه آهن سال گذشته تمام شد و میبایستی در همان پارسال هم افتتاح بیتابد حالاهم این خط حاضر است ولی بدبختانه نمیدانم بچه علت بهره برداری و مسلفوت بلکن بتأخیر افتاد و با اینکه این راه حاضر است متأسفانه بواسطه اینکه آمد و رفت نمیشود این ایستگاههای بین راه را دارند خراب می کنند تمام اشخاصی که رفته اند و دیده اند میدانند از جمله آقای مجد ضیائی که میگویند ایستگاههای راه آهن را در عرض راه در و پنجره هایش را در می آورند و خراب میکنند و میبرند آهن هایش را می کنند و میبرند حالا دیگر حقیقت دارد یا ندارد نمیدانم در هر حال وقتی راه آهن متروک شد و رفت و آمد با آن نشد طبیعی است در و پنجره و چوب و نخته و آهنش را می کنند و میبرند و بنده می خواستم از آقای وزیر راه خواهش کنم چون آذربایجانها و کسانیکه با آذربایجان رفت و آمد می کنند و اهالی زنجان علاقمندند باین راه و البته در واقع این راه را از خودشان میدانند و نمیدانم چرا بهره برداری نمیشود البته این راه باید باز شود و هفته دو دفعه یا ماهی سه دفعه چهار دفعه این راه بین

زنجان و میانه آمد و رفت کنند تا بقیه راه راهم دولت بخواهد درست کند و از میانه تا زنجان عجله رفت و آمد بکنند و بقیه راه راهم سه سی و پنج فرسخ است تا تبریز سرویس اتوبوس را درست کنند که این خط از زنجان تا میانه و تبریز لااقل هفته دو مرتبه ماهی سه چهار مرتبه کار کند و این موضوع را باید مورد توجه قرار بدهند (صحیح است) آقایان نمایندگان آذربایجان و زنجان همه باین موضوع و اصلاح

برسیم شرفیاب شده و توضیحاتی عرض کنم البته همانطوری که یاد آوری فرمودید دولت هم همیشه همین نظر را داشته است که آنچه در قوه مالی و توانائی اقتصادی مملکت باشد بمصرف برساند برای اینکه روابط آذربایجان و تهران از هر حیث تأمین بشود و مرتباً رفت و آمد بین مرکز و آنجا چه از نظر باربری و چه مسافری امکان پذیر باشد اما اگر تا بحال این نتیجه انجام نگرفته علتش این بوده که قرار داد هائی که قبل از شهریور ماه گذشته با مقاطعه کاران گذاشته شده بود در نتیجه حوادث شهریور ۳۲۰ قطع شد و قیمتها هم مرتباً بالا رفت و وضع مالی مملکت هم اجازه نمیداد که مبلغ دیگری بر آنها اضافه شود یعنی بر آن اصول قرارداد هائی که بسته شده بود با مقاطعه کاران ولیکن هر طور شد یک قراری راجع باینکار داده شد و راه آهن بین زنجان و میانه هم مدتی است تمام شده و بطور آزمایش بتدریج بهره برداری بوسیله واگن های باری هم شروع شده است. از حیث مسافربری که مضیقه داشتیم یکی نداشتن واگن مسافری بقدر کافی، یک بار دیگر هم حضور آقایان عرض کردم که ما بالفعل فقط دارای ۴۲ واگن درجه یک و دو سه در تمام کشور هستیم که با این ۴۲ واگن باید ۲۵۰۰ کیلو متر راه را بکار بیندازیم البته این کافی برای این که گفته شود مرتب با آسایش کافی مسافر در تمام این خطوط رفت و آمد بکنند نبود یک اشکال دیگر هم این است که وقتی بنا باشد مسافر بین زنجان و میانه حمل شود اگر یک روز اتفاق افتاد لو کوموتیف بقدر کافی نبود و برای کشش بار و مسافر یا خراب شد و باید در سه روز در وسط بیابان بماند تصدیق میفرمائید بار اشکال ندارد ولی مسافر را که نمیشود در وسط بیابان معطل کرد. از این جهت لازم شد کارخانه تعمیرات لو کوموتیف در زنجان و در میانه دائر شود برای تعمیرات و برای لوازم و مازات و آبگیری و غیر آن اینکار هم مدتی طول کشید و همانطور که خودشان سابقه دارند اینکار مدتی طول کشید و فعلاً هم ما مشغول هستیم که این که عیب را بترتیب عملی فعلی و تا حدی که ممکن است رفع کنیم و

عنقریب آن وسائل کارخانه تعمیر که اگر لو کوموتیف عیب پیدا کرد بتوانند تعمیر کنند و مسافر و بار معطل نماند تکمیل خواهد شد و عیب دیگر که نداشتن واگن بود آنرا هم یک ترتیبی برایش داده ایم که اگر واگن های مسافربری فعلاً نمیتوانیم تهیه کنیم سایر واگنها را نخته بندی کنند که بتوانند مسافرین را در این فاصله بین زنجان و میانه که چهار پنج ساعت بیشتر نیست ببرند و بیاورند ولی خاطر آقایان نمایندگان محترم آذربایجان مستحضر باشد که اگر ما این کار را شروع کردیم بدانند همینقدر که وزارت راه مشغول عمل است و با اقدامات دیگری هم که شده است شاید بتوانیم وسائل راحت تری در اختیارشان بگذاریم ولی مشکل خواهد بود در عمل که بگوئیم حتماً از روز اول شاید از جای دیگر برداریم و در این خط بگذاریم و این کار زحمت دیگری دارد اما از حیث قسمت دوم که فرمودید اشکال ما دو چیز است یعنی راه میانه را بخواهیم امتداد بدهیم و فرمودید راه حاضر است یک اشکال ما نداشتن ریل است که مدتی است در این خصوص بامتفاین مشغول صحبت هستیم و در هر حال ممکن است انتظار داشته باشیم وسیله ای فراهم شود که ریل بگذاریم و یکی دیگر موضوع تأمین مخارج این کار است در بودجه و مدتی است با وزارت دارائی در این باب داریم صحبت میکنیم البته رئیس کل دارائی هم خودش متوجه این مطلب بود که اگر الاثن ما نخواهیم شروع کنیم بریل گذاری که به نتیجه برسیم ممکن است یک خرابیهائی در آن قسمتی که ساخته شده است وارد بیاید بهمین جهت خودشان بطیب خاطر یک مقدار اعتباری منظور داشتند برای نگاهداری این قسمتهای ساخته شده و نیم ساخته که از این حیث خرابی و ضرری پیش نیاید تا وسیله تأمین اعتبارات کافی برای تهیه و کشیدن ریل بدست بیاید بصورت در قسمت اول مشغول هستیم و امیدواریم هر چه زودتر در این قسمت بتنبیجه مقدمانی گرفته شود که مردم بتوانند استفاده کنند و همانطور که فرمودید از میانه تا تبریز راه هم یک سرویس اتوبوس را باید برایش تأمین کنند که مردم وسیله

داشته باشند و بتوانند آسانی در این خط مسافرت کنند .
[۴- بقیه شور دوم لایحه آموزش و پرورش عمومی]
رئیس - ماده ششم لایحه آموزش و پرورش عمومی خوانده می شود :

ماده ششم - هر گاه ولی طفل در موعد مقرر بدون داشتن عذر موجه طفل خود را برای تحصیل منظم بدبستان نسیپارد علاوه بر اینکه مجبور است غفلت خود را جبران کند بحسب تأدیبهی از يك هفته تا يك ماه و پرداخت مبلغی از صد تا هزار ریال محكوم میگردد و جوه حاصل از این جرایم بمصرف تهیه کتاب و لوازم تحصیل برای دانش آموزان بی بضاعت خواهد رسید چنانچه ولی طفل زن باشد باشد فقط بجزای نقدی محكوم خواهد شد

رئیس - آقای نراقی

نراقی - ماده شش قانون تعلیمات عمومی مهمترین مواد این قانون است و اسمش که تعلیمات اجباری شده است بواسطه وجود همین ماده است که ملزم کرده است و اولیای اطفال را که بچه های خودشان را بمدرسه بگذارند و تحصیل کنند ولی اینقدر این ماده کش دار نوشته شده است که هیچ موردی برای اجرای این قانون پیدا نخواهد شد نوشته است هر گاه ولی طفل در موعد مقرر بدون داشتن عذر موجه طفل خود را برای تحصیل بدبستان نسیپارد الخ .

این کلیه عذر موجه خیلی کش دار است از جمله عذرهای موجه در مملکت ما که خود موجب عدم اجرای این قانون خواهد شد عدم بضاعت مردم است الان در طهران کمتر بچه ایست که بضاعت داشته باشد و بمدرسه نرود آقایان درست مطالعه نفرمائید بچه هایی که در دکاهای ارسلی دوزی - نجاری آهنگری - کله پزی - پالان دوزی - لچاف دوزی و غیر آن مشغول بکارند اینها تمام اطفال بی بضاعت هستند که یا ولی آنها بید یا خودشان ملزمند ان خودشان را شخصاً بدست بیارند یا ولی شایف فقیر است و الا بچه ای که صاحب ولی متعلقین باشد اجمال است از رفتن بمدرسه خود داری کنند یا کمالش او را ملزم نکند که بمدرسه برود و اقلاً اگر عدم

ملیون عاید این مملکت بشود پس باید کاری کرد که هم تمام اطفال بمدرسه بروند و هم عدم بضاعت عذر موجه نباشد و باید بنگاههای خیریه و وسایل دولتی و ملی این قدر فراهم شود در هر شهرستانی که هر پدر و مادریکه بتوانستند بچه شان را نگهداری کنند باید بدبستان بفرستند و برای تأمین نشان ناچار شدند آنها را بکار بفرستند با آنها کمک کنند که پدر و مادر بتوانند از اطفالشان تا ۱۵-۱۶ سالگی نگهداری کنند که آنها بروند درس بخوانند و زنده بمانند و الا بدون این مقررات و صرفاً باینکه ما قانون تعلیمات عمومی و اجباری داریم و هر پدری هم بچه اش را بمدرسه نگذاشت قانون او را مجازات و جریمه خواهد کرد تعلیمات اجباری عمومی در مملکت براه نمی افتد امروز پدری که پنج تا پسر و چهار تادختر دارد باروزی دو تومان و سه تومان چطور می تواند بچه اش را بمدرسه بگذارد و اگر نگذاشت جریمه هم بشود الان يك ورق کاغذ در این شهر دو ریال قیمت دارد و يك مداد ارزشش پنج ریال است چطور می شود این ها را بر بودجه قلیل يك هز دور جمعیل کرد تا هزینه کتاف تحصیل دبستانی اولادش را تأمین کند؟ پس این قانون صرفاً يك دل خوشی است پس فردا هم می آیند و می گویند بیابرو حبس چون بچه ات را بمدرسه نگذاشتن او هم میگوید فقیرم عذرم موجه است محکمه هم قبول میکند هیچکس هم نمی تواند باو اعتراض کند پس گذاشتی این همه چه ضرورتی دارد و غیر از تعارف با مردم چه نتیجه ای از آن عاید خواهد شد؟ این قضیه درست مثل این است که آقای وزیر بهداری هم پس فردا بیاید این جاو لایحه ای بیاورد و بگوید برای جلوگیری از مرض (تیفوس) لازم است که تمام ایرانی ها هفته ای يك بار باید بروند بحمام و خودشان را صابون بزنند و هر کدام نرفتند مجازاتشان میکنیم باید گفت آقای وزیر بهداری با صابونی يك من سی تومان کدام مزدور ایرانی می تواند يك قالب صابون بخرد و برود بحمام بالباس خودش را بشوید پس این هم شد تفریح و شوخی بنا بر این تعارف نباید کرد باید اول موجبات اجرا را فراهم کرد مؤسسات خیریه دولتی

و وسایل مساعدت را قبلاً در دسترس مردم گذاشت آنوقت بولی طفل گفت که اگر بچه ات را بمدرسه نگذاشتی جریمه و مجازات میکنیم والا همین جور يك دفعه بگویند چون بچه ات را بمدرسه نگذاشتی باید مجازات شوی او هم ابدأ اعتنا نمی کند و در موقعش هم هیچ محکمه ای قدرت ندارد او را محكوم کند چون عدم بضاعت عذر موجهی است که هیچکس نمیتواند رد کند این بودعرايضو حالا آقایان توجه نفرمائید که این ماده با این وضعیت آیا صورت يك تعارفی بیشتر دارد **وزیر فرهنگ -** اظهارات نماینده محترم اگر از طرف یکی از آقایانی بود که خودشان عضو کمیسیون فرهنگ نبودند این اندازه اسباب تعجب بنده نمیشد ولی آقای نراقی که خودشان عضو کمیسیون فرهنگ هستند میدانند که در اینجا این موضوع مفصل بحث شد و رویش اظهار نظر شد و بالاخره قبول شد و باین صورت در آمد بنده تعجب میکنم که این اظهارات را میفرمایند اینکه فرمودند در جاهای دیگر همه ممالک دنیا بنده شاید اطلاع نداشته باشم ولی تا آن حدی که اطلاع دارم اول در هیچ کجای دنیا نیامده اند قانون بیمه و قانون کار و این ها را بگذارید بعد بروید سر قانون تعلیمات اجباری قانون بیمه و قانون کار يك قوانین تازه ایست که از بیست سال باین طرف پیدا شد و حال آنکه قانون تعلیمات اجباری در بعضی از کشورها از ۲۰ سال پیش تهیه شده است و اگر ما بخواهیم تمام محظورات و مشکلاتی را که برای اجرای این قانون هست در نظر بگیریم البته هیچوقت نمی توانیم این قانون را بگذاریم و هیچوقت نخواهیم توانست که تمام مردم کشور را باسواد کنیم و باید بگوئیم باشد تا تمام مردم کشور با بضاعت شوند و وسایل تحصیل از برای همه شان فراهم کرد آنوقت این را هیچوقت نخواهیم توانست این قانون برای ایمن است که فعلاً دولت وسایل کار را فراهم کند و دولت را مجبور باین کار میکند از لحاظ تهیه آموزگار و مربی و مدرسه و همین طور بتدریج راجع بسایر قسمت ها اما اینکه فرمودید بچه ها وسیله کس معاش کسانشان هستند و بنا بر این اگر ما آنها را بمدرسه

بگذاریم آنها از زندگی باز میمانند بنده سابقاً در شور اول هم عرض کردم که ماحق ندازیم بچه شش هفت ساله را بفرستیم بکارخانه که کار بکند که هم مسلول بشود و هم مریض بشود و هم بمیرد (صحیح است). افراد این کشور چرا باید این قدر کم باشند توجه نمیشود آن پدر و مادر آن ولی طفل که بچه شش ساله را از صبح تا غروب بکار و امیدارد جنایت میکند و حق ندارد این کار را بکند سابق هم عرض کردم دولت باید حمایت بکند از اطفال کی باید اطفال این کشور را حمایت بکند؟ در سایر جاها انجمن هائی برای حمایت حیوانات هست کینه زیاد از حد معمول حیوان را بیارکشی نبرند و ازیت نکنند در این کشور ما میخواهیم اطفال را حمایت کنیم و ادا کنیم که بیایند درس بخوانند و تربیت شوند و اولیاء آنها مجبور باشند که این کار را بکنند آنوقت اشکالانی فراهم میکنیم که این باید قالی بافی کند البته صنعت قالی خیلی مهم است برای مملکت ولی اگر بقیمت جان نوباوگان این کشور تمام شود اصلاً فایده ندارد و وجودش ابتدا لازم نیست (صحیح است) پس باید اول کاری کرد که اطفال این کشور تربیت شوند و سواد داشته باشند خواندن و نوشتن را یاد بگیرند آنوقت بعداً یقین داشته باشید در صدد تهیه کارهای خوب بر خواهند آمد و اقتصادیات مملکت خوب خواهد شد (صحیح است). در تمام کشورهای دنیا بنده تصور میکنم که هیچکس امروز نمیتواند منکر این بشود که تعلیمات عمومی اجباری مهمترین کارهای مفید و ضروری مملکت است حتی از بهداری هم واجب تر است چرا؟ بدلیل اینکه تا افراد بمدرسه نروند ندانند بهداشت چه فوایدی دارد و آب آلوده نباید بیاشامند و مفید نباشد. باین گه سلامتی خود را تأمین کنند هیچ فایده ای ندارد و شما تمام وسایل بهداشت را هم که در دست آنها بگذارید باز بهمنام خزانه دار خواهند رفت و آب آلوده خواهند آشامید بنا بر این اگر بتاریخ تمدن ملل رجوع کنید خواهید دید که هر جامعه ای که در مراحل تمدن بالا تر رفته است موضوع فرهنگ در آنجا جای لزومش و ضرورتش بیشتر شده است چرا؟

بدلیل اینکه تمام کار هائی که در يك جامعه متمدن می شود در زمینه اقتصادیات ، بهداشت ، اجتماعات در هر زمینه ای که تصور بفرمائید روی يك اصول علمی و فنی است دیگر مثل زمان قدیم نیست مثل دوره های بدوی نیست که بدون ترتیب و بدون قاعده و قانون يك کار هائی بکنند و جامعه های متمدن امروزی دنیا هر قدر که پیشرفت میکنند و هر قدر تمدن جلوتر میرود و ترقی میکنند این امور هم روی اصول علمی و فنی قرار میگیرد و باین جهت است که در جامعه های متمدن امروز دیگر هیچ کاری بدون فرهنگ پیشرفت نمی کند چنانکه در یکی از جلسات گذشته هم عرض کردم حتی حالی هم در ممالک متمدن امروزه دیگر بدون داشتن حد اقلی از سواد و معلومات ممکن نیست بنا بر این بنده عرض میکنم که با وسایل و مقدماتی را که در جامعه تعلیمات عمومی و اجباری بشود تا حدی فراهم داریم و باز هم فراهم میکنیم و نباید بیش از این مامشکالانی را در نظر بگیریم و از این کار اجتناب کنیم و استدعا میکنم آقایان محترم بیش از این در این کار ما را ترسانند و مخاطمان نکنند و اجازه بدهند که این قانون بگذرد و بنده اطمینان دارم که در ظرف این ده سال مهلت اگر قدری همت بخرج بدهیم آن را اجرا خواهیم کرد تمام محظورات و مشکلاتی که این کار دارد بنده تصدیق کردم که خیلی محظورات دارد و بنده خودم مسبق هستم زیرا هفت هشت ماه است که مشغولیم برای تهیه آئین نامه ها و امیدواریم در آئین نامه ها يك راه حلی در نظر بگیریم و اگر همت بکنیم این کار عملی خواهد شد. (صحیح است)

رئیس - آقای منصور.

منصور - بنده موافقم و نظری که داشتم در لایحه کمیسیون تأمین شده است عرضی ندارم.

رئیس - آقای انوار.

انوار - باینکه نهایت اراادت را با آقای معذل دارم امروز آقای معذل تمیذام چرا خارج از موضوع شدند و بمن تعرض کردند شما میگوئید بنده عرض کردم که تکلیف من

است خیر تکلیف همه است آقای رئیس هم توجه دارند بنده خارج از رویه هیچوقت عرض نمیکم (صحیح است) مثلاً الان ماده ششم مطرح است و شور دوم هم هست صحیح است؟ با این که شور دوم است باز آقای نراقی که یکی از فضلاء مجلس است و رفیق محترم بنده است وارد میشود در کلیات که مامعارف عمومی داریم تعلیمات عمومی حالا موقعش نیست آقا مجلس رأی داد و ما وارد شور کلیات شدیم و از شور کلیات هم گذشتیم بمواد وارد شدیم حالا شور دوم است ماده ششم است ..

نراقی - آقا شما حق وارد شدن بمذاکرات بنده را ندارید بنده عرض نکردم حالا موقعش نیست. با آقای رئیس است این کار ها.

انوار - خوب آقای رئیس اجازه میدهند. بنده عرض کردم حالا شور دوم است نه شور در کلیات آقای رئیس هم باز جلو نگرفته و خارج از موضوع شد و من ناچارم عرض کنم چون می ترسم این لایحه بماند این دوره هم تمام بشود و بنده حاضر نیستم که این تعلیمات عمومی از مجلس نگذرد این است عرض بنده (صحیح است) يك پیشنهاداتی راجع باین ماده بنده دارم و خیلی باجمال عرض میکنم و میگنم پنج شش تا پیشنهاد دارم در این ماده یکی کلمه سپارداست که نوشته شده هر گاه ولی طفل در موعد مقرر طفلش را به دبستان سپارد عقیده بنده این است که بجای سپارد باید نوشته شود روانه نمایند برای اینکه این قانون برای اجراء بدست مأمورین خارج که افتاد آنوقت یقیناً این بچه ها را میگیرند که باید در مدرسه بماند و حال آنکه مقصود روانه کردن است این را تصدیق بفرمائید آقای وزیر معارف که عیبی ندارد. یکی دیگر اینجا باید بعد از کلمه سپارد علاوه شود پس از اخطار از طرف دبستان چون میدانید هنوز مردم این قدر آشنائی قوانین ندارند که تکالیف خود را عمل کنند ابتدا باید اذعان بگویند مؤذن صدا بکنند تا بعد مردم بر خیزند برای نماز. پس باید از طرف دبستان اول اخطار بشود بعد از اخطار اگر نیاررد آنوقت بگویند چقدر جریمه. یکی دیگر

مبلغ جریمه است که بعقیده من از ده تومان تا صد تومان خیلی زیاد است (صحیح است) مردم ندارند آقای وزیر فرهنگ توجه بفرمائید من پیشنهاد کرده ام از يك تومان تا ۵ تومان باشد (صحیح است) یکی دیگر راجع بآخر ماده است که نوشته اند چنانچه ولسی طفل زن باشد فقط جریمه نقدی بدهد چون بحسب قواعد شرعی زن را ولسی قرار نمیدهیم مگر اینکه از طرف حاکم شرع باشد (صحیح است) اینرا هم پیشنهاد کردم از چنانچه بعد از آن آخر ماده حذف کنید و زاید است يك پیشنهاد دیگری هم دارم به عنوان تبصره است که اگر در دهات و قرأء يك نفری است کدخد است یا دیگری است که میتواند در خارج از دبستان طفل خودش را به تحصیل و ادا دارد که تحصیلاتش کلاسها را مطابق برنامه وزارت فرهنگ تمام کند بعد هم در امتحانات نهائی شرکت کند اگر امتحانش را داد آنرا دیگر از آن عقاب و کیفری که برایش معین شده است معاف بدارید و دیگری کیفر نداشته باشد این پیشنهادات شده است که تقدیم میکنم.

رئیس - آقای رضوی.

رضوی - بنده با کمال موافقتی که با این لایحه دارم معتقدم که اساساً ماده ششم ضرورت ندارد و اگر احیاناً ماده ششم از این قانون برداشته شود با اصول تعلیمات اجباری هیچ خللی وارد نخواهد آمد برای اینکه امروزه يك حس فرهنگی در عموم مردم پیدا شده بطوریکه هیچ پدری نیست که میل نداشته باشد طفلش درس بخواند و مدرسه را تمام کند و اصولاً بعقیده بنده و اکثر از آقایان نمایندگان پیدا است که هر عملی که باجهز و زور و فشار انجام بگیرد و مجازات پیدا کند این عملها موجب رغبت نمی شود بلکه مردم نفرت پیدا میکنند (صحیح است). بغلاوه کیفیت جرائمی هم که در این ماده پیش بینی شده است ناقص است بنظر بنده برای اینکه ما نوشتم اگر بچه ای شش ساله شد و ولی طفل آنرا بمدرسه نگذاشت يك جریمه ای بدهد و عقاب خودش را بجز آن کند بنده عرض میکنم بسیار خوب این گناه کرده است وظیفه اش هم این است که بیاید و عقابش را بجز آن کند خوب این

ندارد اگر در صدد جبران بود از اول غفلت نمی کرد. سال اول گذشت سال دوم باز جریمه شد سال سوم باز جریمه اش میکنند اینک نمی شود و عملی نیست باید کاری کرد که کلیه مأمورین و اشخاص برجسته ای که در دهستانها و بخشها هستند موظف باشند بوسایل تبلیغات و روشن کردن فواید و منافع تعلیمات عمومی مردم را تشویق و تحریک بکنند که خودشان بر غبت بچه ها را بمدرسه بپسارند و الا بصورت مجازات در آوردن این چه طور می شود و اگر ما بخواهیم برای اشخاص بی بضاعت و سائل فراهم شود و خودشان راغب باشند این ماده شش باید حذف شود و با حذف آنهم عرض کردم هیچ نقیصی در قانون پیدا نمی شود حتی معتقدم که موجب می شود اساساً جریان معمولی قانون هم بهتر و بیشتر خواهد شد.

هاشمی - (بجای مخبر کمیسیون) - قانونی که بطور عموم باید در کشور اجرا شود البته برای ترک آن باید یک مجاراتی هم داشته باشد اینک فرمودید یک حس اقبال برای فرهنگ در همه کشور هست صحیح است اما باز یک شهرستانها و یک محل هائی از این حس فاقدند و آن شهرستانهائی است که فقر و فاقه در آن جاهاشیوع دارد و بفرمایش آقای نراقی همان جاهائی که قالی بافی رواج دارد بچه را پدر و مادر از شش و هفت سالگی از نهایت فقر و فاقه میبرند و می فروشند باستاد کار و پولی به عنوان مقدمه میگیرند و متعهد می شوند که حق نداشته باشند آن بچه را بجای دیگر ببرند آنوقت این بچه شش ساله از اوایل عمر دست و پایش کج و معوج میشود و بانواع امراض مبتلا می شود و همان قالی هائی که زینت قصر های مجلل دنیا است از زیر دست همین بچه های ضعیف و نحیف بیرون می آید این فرهنگ راهم نمی فهمد آقای رضوی و باید پدر و مادر او را ملزم کرد و تا یک اجباری نباشد ممکن نیست این بچه را از قالی بافی بردارد و بمدرسه بگذارد و این وضع هم البته نباید ادامه یابد و باید موقوف شود بر فرض اصلاً صنعت قالی از بین رفت برود این قابل تحمل است (صحیح است) ولی وضع این اطفال دردناکی

گذرانیدیم خیلی هم صرف وقت شد چاپ هم شد در دسترس همه مردم کشور هم گذاشته شد باوصف این آیا اجرا شد؟ خیر هنوز هم چاقو کشی ها و دزد ها مشغول چاقو کشی و دزدی هستند آدم کش ها آدم میکشند و مشغول کار خودشان هستند و هیچکس هم جلو گیری نمیکنند اگر میخواهید این قانون هم آن جوری باشد ما هم اطاعت میکنیم خیلی خوب باشد اصلاً دیگر خواندن ندارد ممکن است هم اش را یک دفعه رأی بدهیم اگر نیت اجرا ندارید خوب چه فایده دارد چه نتیجه ای دارد ولی اگر واقعاً میخواهید اجرا کنید که اینجا باید معین بشود و ذکر بشود اگر باین اندازه محیط استعداد پیدا کرد که اگر کسی توانائی دارد که فرزندش را ببرد تخلف کند و نبرد جرم و سیاستی را هم برای اینکار فراهم کرده است با اینکه تمام وسایل برایش حاضر و آماده است طفلش را بدبستان نبرده است و لسی خودمان شاهد و ناظر هستیم که در مملکت ما در دهات ما آن حاجی ریش سفیدی هم که یک وسیله ای فراهم کرده است بچه اش را یک قدری سواد یاد داده است ولی همه مردم که وسیله ندارند این موضوع را که آقای هاشمی فرمودند خودشان توجه دارند که میگویند بچه اش را میبرد میفروشد در حقیقت بعنوان مقدمه یا غیر آن هر چه میخواهید اسمش را بگذارید بچه اش را میبرد میفروشد آیا این عمل سببش این است که چون قانون نگذاشته بود و فقط لنگیش برای همین بود و فردا که فهمید قانون گذشته دیگر بچه اش را نمیبرد بقالی بافی بگذارد و مقدمه را بگیرد؟ بنده عرض میکنم اینطور نیست شما اصلاً وسایل کار را ندارید و وسایل را فراهم بکنید وقتی فراهم کردید آنوقت همه استقبال میکنند فردا در یک بلوکی که بیست سی پارچه ده است شما یک طاق هم درست میکنید یک آدم هم میآید آنجا اسمش را هم میگذارید مدرسه بحدیکه در هشت فرسخی ده فرسخی بیست فرسخی سی فرسخی آنجا است مکلفش میکنید که فقط پا شوبد بروید آنجا مثلاً این طاق کنجایش بیست تا بچه داشته باشد و این بلوک که هزار تا بچه دارد آن وقت این یک عنوانی میشود

که اسباب زحمت مردم و اسباب جریمه کردن اولیاء اطفال و حبس کردن آنها خواهد شد حالا نظام وظیفه سه اینک یک قدری سست شده است این قانون جانشین آن میشود و آدم تاجریمه نظام وظیفه را میدهد نوبه این یکی میرسد این یکی را که داد باز نوبت آن یکی میرسد بنده نمیگویم که خدای نکرده جنابعالی سوء نیت دارید البته ندارید خیلی هم حسن نیت دارید و این هم مزید بر افتخاراتان است که این قانون مهم را میگذرانید و ما را مشمول عواطفتان قرار میدهید و ما هم متشکریم که در دوره و کالت مان این اتفاق افتاد ولی آقا عرض میکنم اشخاص باریک بینی هم نشسته اند که ما را متوجه میکنند که این قانون با این ترتیب عملی نمیشود با این حرفها درست نمیشود و همانطور که گفته شده است فرمه سبزی را چه با غین چه با قاف بنویسد فرقی ندارد گوشت و سبزی و روغن میخواهد یعنی اگر میخواهید این قانون تعلیمات عمومی به نفع عموم در تمام مملکت درست بشود معلم و کتاب و خرج میخواهد و بنظر بنده خوب بود ما بجای این مینوشتیم هر دهیکه دارای یک مالک عمده ایست و اصلاً مالکی که ۲۰ - ۳۰ کاو زراعت دارد مکلف باشد که در دهش یک مدرسه درست بکند و الا مالک جریمه و مجازات میشود و الا الزام آن رعیت بدبخت بیچاره و مجازات و جریمه او چه فایده ای دارد که او را با شکم گرسنه و بدن عریان از ۷ - ۸ فرسخ راه مجبورش کنید که بچه اش را بیاورد تحصیل کند شما مالک را بفرستید بیاورد آن جا و بگوئید آقا شما که سالی پنجهزار تومان - ده هزار تومان از این ده استفاده میکنید چرا در این جا یک دبستان درست نکرده اید اگر ما این را مینوشتیم اصلاً یک عده کمتری بما اعتراض میکردند تا یک عده زیادتری.

یکی از نمایندگان - این مالیات است آقا. پیشنهاد کنید.

معدل - بسیار خوب پیشنهاد میکنم ولی این مالیات نیست این اصلاً تحمیل معقول تر و معتدل تری است که

امروز قابل تحمل نیست اما آن اشکالاتی که آقای نراقی فرمودند بسیار اشکال موقعی است و همانطور که در قانون هست بعداً باید وسایل فراهم شود و یکی از وسایل هم همین است مادامی که این فقر و فاقه عمومی شیوع دارد و بدون الزام قانونی برداشتن بچه ها از قالی بافخانه و گذاشتن بمدرسه امکان پذیر نیست ولی بابودن موجبات و تهیه کردن وسایل بدیهی است یکی از وسایل بنا بفرمایش ایشان مبارزه کردن با بیکاری و فقر عمومی و گرسنگی است و بدون آن اجرای قانون امکان پذیر نیست ولی بدیهی است یکی از وظایف حتمی دولت در آینده این است که با بیکاری و فقر و گرسنگی با هر وسیله ای هست مبارزه کند و با برطرف شدن آنها این قانون هم اجرا میشود.

رئیس - آقای معدل

معدل - آقای وزیر فرهنگ حقیقتاً کمال استادی را بخرج دادند که در جواب بیانات منطقی و حسابی آقای نراقی فقط باز کر محاسن تعلیم عمومی خواستند که جوابی نفرموده باشند البته وقتی که مرد دانشمند و فهمیده وزیر فرهنگ باشد نمیآید اگر یک جائتی جواب ندارد بیاید خود آن موضوع را بگیرد بلکه میرود یک موضوع دیگری را بگیرد که مخالفی نداشته باشد وقتی که تعریف میکنند از تعلیم عمومی همه هم میگویند صحیح است - احسن آقای نراقی اظهار میکند که آقا این طفل که امروز نمیرود درس بخواند نان ندارد بخورد بابایش هم نان ندارد بهش بدهد آقای وزیر میفرمایند من عقیده ام این است که تعلیم عمومی از بهداری هم واجب تر است حالا این مخالفش کیست؟ ولی آیا موافق بودن با بیانات آقای وزیر فرهنگ یعنی مخالفت بودن با بیانات آقای نراقی؟ نه. بنده عرض میکنم که یک وقتی است یک قانونی مثل سایر قوانین که در مجلس گذشته است مثل قوانین جلوگیری از خلاف انتظامات یا جلوگیری از تخلفات قانونی که برای هر گونه خلاف انتظامی که در کشور رخ میدهد مجازاتی معین شده نباشد این قوانین را تمام گذرانیدیم خیلی هم خوب بود هی پشت سر هم دادند و ما هم

مجلس شورای ملی به يك طبقه ای در کشور بکنند و من
 متقدم و متمدنم آن پدر و مادری که دست و پای بچه اش
 کج و معوج میشود در توی قالی بافخانه یا علیل و مریض
 میشود او هم متوجه اینکار است. او هم غصه میخورد دلش هم
 میسوزد بیشتر هم میسوزد ولی چاره ندارد آقا. شکم بچه
 گرسنه است بدن بچه هم مریض است از سرما هم میلرزد
 ناچار است این را روانه بکند که کار کند. آقای وزیر
 فرهنگ میفرمایند که این يك شالوده ایست برای انجام
 منظور و ما باید تا میتوانیم این مطلب را انجام بدهیم خیلی
 خوب این کلمه اول این خشت اول روز بروز وساعت بساعت
 جلو بروید و بمصداق اینککه اگر انسان نمیتواند يك
 مطلبی را کاملاً انجام بدهد همه اش را هم نباید ترک کند
 بسیار خوب این هم يك حرفی است الان از ایشان تمنا دارم
 يك وسیله ای بدهند بدست افراد ناچس در مملکت که
 این ها مزاحم مردم بشوند یعنی اگر ما نتوانستیم از این
 بابت خدمتی بکنیم زحمتی را هم ایجاد نکنیم برای آن ها
 این هارا که عرض کردم از این نظر است که قطع دارم
 ایشان حسن نیت دارند ولی دلم میخواهد این حسن نیت را
 آیندگان هم از خلال ستور این قانون متوجه و متذکر
 باشند ولی حالا اگر اصراری داشته باشند باینکه این ماده
 قانون همین ترتیبی که هست و درست شده بگذرد پیش نهاد
 مرا قبول کنید و آن پیش نهاد این است که وزیر فرهنگ
 حق داشته باشد که این مجازات هارا در هر مرحله ای که
 هست تعلیق نماید یعنی اگر بنده خبر شدم که رئیس نظمی
 یا امنیت فلان جا يك نفر را که بدبخت و بیچاره است آورده
 است بفلان جا به عنوان اینکه تو چرا بچه بدبخت را با بدن
 مریض و شکم گرسنه بمدرسه نفرستادی باید مجازات بشوی
 و حبس بشوی و بایشان اطلاع دادیم که این مجریان این
 طور است و این مرد قابل مجازات نیست ایشان دیگر مانع
 قانونی نداشته باشند که بگویند باید برود به (حبس) و جریمه
 هم نداشته باشند حق تعلیق داشته باشد در هر حال آقای
 وزیر فرهنگ حضرت عالی طوری بفرمائید که آیندگان

سوء استفاده از این قانون نکنند و ما همه این عریضی را
 که بعنوان مخالفت میکنیم این را مطمئن باشید هیچ فرد
 ایرانی که سواد فارسی داشته باشد و خون ایرانی در رگ
 داشته باشد ممکن نیست با قانون تعلیمات عمومی مخالفت داشته
 باشد و همه ما شکر گزار جنابعالی هستیم که پیش قدم شدید
 در این کار ولی افرادی هم در این کشور هستند که از هر
 چیز خوبی سوء استفاده میکنند و این هم بهترین وسیله
 خواهد شد برای اینکه بتوانند مردم را اذیت کنند.

وزیر فرهنگ - بنده فقط تقاضائی که داشتم این است
 که آقایان محترم در خود مواد صحبت بفرمایند آقای محمد
 قسمت اخیر بیاناتشان کاملاً صحیح و منطقی بود پیشنهادشان
 هم که رسید بنده شاید بپذیرم ولی قسمت اول بیاناتشان
 خارج از این ماده و ناظر به کلیات بود و اگر در هر ماده ای
 بنا باشد در کلیات صحبت بشود هیچوقت این قانون نخواهد
 گذشت اینجا همه میگویند اگر فلان کار را نکرد فلانقد
 باید جریمه بدهد اگر زیاد است پیشنهاد کنید کمتر بشو
 اگر زائد است پیشنهاد بفرمائید حذف شود این بحث زیاد
 ندارد در خود این ماده البته راجع به کلیات بحث زیاد است
 زیاد هم بحث شده است ممکن است بعد از تصویب مواد با
 هم در کلیات مذاکره بفرمائید ولی استدعای بنده این است
 اگر در خود مواد آقایان پیشنهادی دارند بفرمایند تا مطرح
 شود بنده هم یا قبول میکنم یا بنظر مجلس واگذار میکنم
 تا زودتر این ماده بگذرد.

رئیس - آقای بهبهانی.
بهبهانی - عرض کنم در موضوع قانون تعلیمات اجباری
 بنده و یا سایر آقایان هیچکدام بعنوان مخالفت صحبت
 نمیکنیم بصرای اینکه یکی از آرزوهای دیرین عمو
 ایرانیان تعلیمات اجباری و عمومی است (صحیح است)
 حالا وضعیت قانون طوری است که ما را مجبور می کند
 به عنوان مخالفت این قانون صحبت کنیم اینجا يك قدری باید
 درستبعضی از مملکت و وضعیات عمومی اجراء مملکت
 توجه کنیم وضعیت مردم امروز طوری است که همه در فشارند

هیچکس غیر از يك عده محدود وسیله زندگی ندارد وسیله
 همیشه ندارد فرمایشات آقای نراقی هم فرمایشات اساسی
 صحیحی است فقط يك عده اشخاص محدودی هستند که
 می توانند زندگی خود را بگذرانند و باقی مردم ناچارند
 خودشان بزحمت با فلاکت و سختی کار کنند هر کاری که
 باشد زراعت و غیر آن اولادشان را هم بفرستند که کار بکنند
 تا بتوانند جانی بدر ببرند و این قانونی که گذاشته شده است
 و مخصوصاً این ماده ششم خیلی ماده کش داری است و
 نظامنامه هائی را هم که آقای وزیر فرهنگ اینجا وعده
 دادند که با نظر کمیسیون فرهنگ نوشته می شود نمیدانم
 چه جوری است مطالعه نکردیم یکی از چیز هایش این مسئله
 عذر موجه است. بنده این را طوری خیال میکنم که شما
 جور دیگری خیال کنید. امروز باید این عذر موجه را
 منطبق کرد با احتیاجات مردم. آقای نراقی گفتند عدم
 بضاعت و نداشتن یکی از عذرهای موجه است و راست هم
 گفتند واقعاً مردم ندارند چطور میتواند بچه شانرا بفرستند
 بمدرسه؟ او ممکن است يك کمکی بمعیشت پدر خودش بکند
 و شما این را میگیرید و میبرید بمدرسه و میگوئید باید حتماً
 این بچه تو برود بمدرسه و اگر هم نگذاشت جریمه بشود؟
 دولت باید فکر کند دولتی که هنوز نتوانسته است معیشت
 مردم را بطوری که صورت ظاهری هم پیدا کند اداره بکنند
 و هر روز نرخ هزینه زندگی و گرانی معیشت زیادتر میشود
 و اشخاص هر چه در آمد داشته اند امروز چندین برابر آن
 باید خرج بکنند نمیشود گفت به فلان زارع یا فلان رعیت
 که چون پسر را نیوردی بمدرسه باید فلان مقدار حبس
 بشوی یا فلان مقدار پول بدهی. این قانون هم حبس دارد و هم
 مجازات و جریمه دارد علاوه بر این هر کاری در دنیا در آن
 اول وهله اول اجرائش يك رفاهیتی برای اشخاص باید
 داشته باشد مثلاً در دین اسلام هم در اول دین اسلام گفته
 شده قولوا لا اله الا الله فلهما اول فقط همین بود دیگر بعداً
 که يك قدری توضیح گرفت و مردم موافقت کردند
 کم کم احکام دیانت درش باز شد مسئله تعلیمات اجباری هم

در این مملکت يك مسئله تازه ای است و مسلم مردم امروز
 متوجه این هستند که اطفالشان اگر با سواد باشند بهتر
 است از این که بی سواد باشند و اگر يك جانی بمدرسه
 باشد خودشان عاشق ترند و راضی ترند که اطفالشان را بمدرسه
 بگذارند. این کار هم عیناً مثل مسئله تعلیمات سالخورده گان
 بود که دیدیم که يك عده زیادی متوجه شدند و رفتند و حالا
 وضعیت يك طوری بود که اجرا نشد کاری نداریم و نتوانستند
 درست از عهده بر آیند. حالا هم توجه عامه هست که اطفال
 خودشان بفرستند بمدرسه که روزگار آتیه شان روشن تر باشد
 و همانطور که آقای وزیر فرهنگ فرمودند باید دقت نمایند
 که اگر يك وقتی مدارس تشکیل شد و مردم خودشان توجه
 کردند اطفالشان را بیاورند ولی اگر يك نفر نیاورد یا نتوانست
 بچه اش را بفرستد بمدرسه در گرمای تابستان یا سرمای زمستان
 نتوانست بچه اش را يك کیلومتر دو کیلومتر راه ببرد این دیگر
 جرمه نباید داشته باشد. نظر بنده و عقیده بنده این است که
 همانطور که آقای رضوی فرمودند این ماده اگر هم نباشد
 مسئله تعلیمات اجباری ضرری وارد نمی آید حالا اگر
 وزارت فرهنگ شدیلاً احتیاج خودش را باین ماده احساس
 میکنند بنده عقیده ام این است که حتی المقدور این جرمه
 را بردارند و این جرمه را برداشتن مانعی هم ندارد و وقتی
 که مردم متوجه شدند وزمینهای پیدا کرد این قانون بعداً
 آنوقت ممکن است جرمه هم کرد والا حالا فرض هم جرمه
 هم خواستید معین بکنند این شخص که معیشت خودش
 را نمیتواند تأمین کند چطور میتواند جرمه بدهد؟ چرا هم
 بدهد؟ برای چه؟ جرمه مال عملیات خلاف قانون است که
 و مال يك کسی است که کاری بر خلاف قانون بکند. این
 فقط تقصیرش این است که برای نداشتن معیشت زندگی
 نتوانسته است بچه اش را بفرستد بمدرسه این تقصیر او نیست
 این است که بنده خواستیم خواهش کنیم اگر ممکن است
 آقای وزیر فرهنگ مساعدت بفرمایند که این ماده یا حذف
 بشود یا اینکه جرمه را بردارند این بهتر است و خیلی
 متشکر میشوم و پیشنهادی هم بنده میکنم

وزیر فرهنگ - بنده فقط در جواب آقای بهبهانی این را عرض میکنم و استدعای سابق را تکرار میکنم که در موضوع این ماده دو مطلب است یا عنوان دین است که حذف بشود و یا اینکه جریمه و مجازاتش تخفیف پیدا کند در هر حال پیشنهاد بفرمائید بسته بنظر مجلس است یا قبول میشود یا رد میشود.

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - عرض کنم بنده در شور اول پیشنهاد حذف این ماده را کرده بودم متأسفانه کمیسیون توجه نکرد و با حسن نیتی که آقای وزیر فرهنگ در گذراندن این قانون دارند نمایندگان محترم مجلس هم موافقت دارند که تعلیمات عمومی عملی بشود این را اطمینان میدهم که با همه این حسن نیت ها دهاتی ایران را با آتش خواهد کشید. این ماده ۶ میگوید که اگر ولی طفل بچه اش را نفرستد بمدرسه این باید این را جبران کند و بعد هم بحسب تأدیبی از يك هفته تا يك ماه و پرداخت مبلغی از صد تا هزار ریال محکوم میشود. این جریمه از صد تا هزار ریال که تعیین شده بنده آقای وزیر فرهنگ بجناب عالی اطمینان میدهم که دهاتی ایران سالی هزار ریال عایدی ندارد این که عرض میکنم والله از روی کمال عقیده عرض میکنم بنده حتم دارم که دهاتی ایران سالی ۱۰۰۰ ریال عایدی ندارد و اگر این مبلغ کیرشان بیاید کلاهشان را با آسمان می اندازند ولی الآن در زیر بار زندگانشان دارد خورد میشود. آقای وزیر فرهنگ مگر مجری این قانون در تمام دهات آقای دکتر سیاسی وزیر فرهنگ هستند؟ مجری این قانون امنیت است مجری این قانون يك شخصی است که در تمام غروق و شریان آنها حس تجاوز و تعدی و حس مردم آزادی جریان دارد حالا يك همچو کرگی منتظر يك همچو وسیله ای و فرصتی است که دست بدهد این هر کسی که بتواند میگوید آقا بچه نویامده است بمدرسه و تو متخلف شناخته شده ای او را میفرستد بحسب و شلاق بزر او زدند و بدهان او زدند و مبلغی هم او را جریمه میکنند آقا خدا را خوشش نمی آید شما از اوضاع

که باید اصلاح شود یعنی باید بوسیله فرهنگ عمومی اصلاح شود و برای اعاشه هم باید وسیله دیگری غیر از بچه شش ساله پیدا کنند (بعضی از نمایندگان - ندارد آقا) اگر ندارد خودش برود پیدا کند (همه نمایندگان) اجازه بفرمائید عرض کنم دولتی که بمقتضیات و مطابق احتیاج يك مملکت درست میشود باید برای مردم اول کار پیدا کند و هر جا که کار پیدا شد برای بزرگترها و تشویق از کار شد و توانستند اولیای اطفال کار پیدا کنند و اطفال خودشان را بمدرسه بفرستند آن جا تعلیمات اجباری اجرا میشود و الا اینکه نشد الی الابد ما وضع مان این باشد ولی مطلبی که حضرت آقای بهبهانی راجع با احکام اسلام فرمودند خواهش میکنم ایشان يك جارا به بنده نشان بدهند که مذهب اسلام متوسل به مجازات نشده باشد آقای بهبهانی آقای انوار به بنده نشان بدهید (انوار - بنده که حرفی نزد آقا) (خنده نمایندگان)

رئیس چندین جلسه است در سر این موضوع صحبت میشود و پنج ماده اش گذشته است و این صحبتهایی که در این موضوع میشود همه يك طرز صحبت میشود. بطوری که آقای وزیر فرهنگ هم اظهار کردند آقایانی که پیشنهاد دارند پیشنهاد خودشان را بدهند یا قبول میشود یا رد می شود آنوقت کار هم انجام میگیرد و الا هر کدام هم تذکری که میخواهید اظهار کنید بفرمائید و بالاخره پیشنهاد هم بدهید این که نمی شود بالاخره چندین جلسه گذشته است و چهار ماده تصویب شده است شما پیشنهادات خودتان را بدهید برای اصلاح قبول کردند که خیلی خوب و اگر مجلس قبول نکرد که هیچ چیز دیگر پیشنهادات قرائت میشود: پیشنهاد آقای مؤید احمدی.

پیشنهاد میکنم ماده ۶ حذف شود.

مؤید احمدی - عرض کنم بنده نمی خواهم به آن تندی که آقای امیر تیمور فرمودند و نه بآن وضعی که آقای هاشمی فرمودند عرض کنم. نقداً عرض میکنم وضع مملکت را باید در نظر گرفت با قانون تعلیمات عمومی عرض کردم احدی مخالف نیست و در کلیات هم که نمی خواهیم حرف

بزنیم ما حرف در عمل داریم در ماده ۶ میگوید چنانچه بدون عذر موجه اطفالشان را بمدرسه نیاوردند از ۱۰ تومان تا ۱۰۰ تومان جریمه بدهند و چند روز هم حبس بشوند بنده در نظر میآورم فلان ده نرماشیر را که میخواهند با آقای فلان وزیر شکایت کنند اگر پول داشت که جریمه را میداد چطور میتواند تلگراف کند یا وضعیت دیگری نظایر اینها که برای او پیش میآید یا باید طوری رفتار کنید که فلان طفل که پدرش مرده است و جدش ولی او است و این طفل را نفرستاده است بمدرسه حالا بروند این پیر مرد را صد تومان ازش بگیرند و جریمه کنند و حبس کنند؟ آخر این قانون عملی نیست آن عملی نمیشود و از آن طرف يك عده مردم فقیرند و معاش ندارند و خرجی ندارند و شبشام ندارند بخورند و باید بروند در مزرعه تخم کاری کنند و پول بگیرند و معاششان را تأمین کنند. خیلی خوب برود بمدرسه بنده مخالف نیستم ولی میگویم باید وسیله برایش فراهم شود یا باید گرسنگی بخورد و برود بمدرسه؟ البته آقای وزیر فرهنگ هم همچو عقیده ای ندارند که گرسنگی بخورد و برود بمدرسه. من عقیده ام این است که اصولاً باید این همه اوقافی که در این مملکت وقف شده است بدانیم کدام مدرسه هست که ملز عایدات این موقوفات بهره مند میشود؟ این عایدات موقوفات را به گذارند برای خرج تحصیل و صرف کنند برای اطفال بی بضاعت و معاششان را بدهند ما این ماده را تصویب میکنیم که آقای گرسنه بیا بمدرسه اگر نیامدی بمدرسه تو را حبس میکنم این بنظر بنده عملی نیست؟ پیشنهاد بنده این است که این ماده را حذف کنیم و بقیه اش را بگذاریم و تصویب کنیم **اوحدی** - بنده با پیشنهاد ایشان مخالفم اجازه میفرمائید؟

رئیس - قاعده پیشنهاد این است که پیشنهاد دهنده يك اظهاری میکنند و توضیح میدهند و بعرض مجلس میرسند و اعضاء کمیسیون فقط میتوانند اظهار نظر بکنند ولی شما که عضو کمیسیون نیستید نمیتوانید پیشنهادات دیگر قرائت میشود. **پیشنهاد آقای بهبهانی** - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۷ بجای ماده ۶ گذاشته شود.

جمعی از نمایندگان - اینهم که پیشنهاد حذف است آقا.

وزیر فرهنگ - این هم پیشنهاد حذف است وقت می گذرد آقا.

رئیس - آقای بهبهانی.

بهبهانی - اجازه بدهید آقا در نظامنامه هست که پیشنهاد حذف را رأی نمیدهند ولی برای طرح این پیشنهاد يك پيش بينی شده است در نظامنامه که اگر کسی بخواهد باین طریق پیشنهاد کند ممکن است رویش رأی گرفته شود این صریح نظامنامه است لهذا است که بنده بموجب همان نظامنامه پیشنهاد کردم که ماده ۷ بجای ماده ۶ برقرار شود بنابر این روی این پیشنهاد میشود رأی گرفت پیشنهاد حذف را نمی شود رأی گرفت و از این جهت بنده توضیح دادم که آقایان بدانند که این پیشنهاد حذف نیست که بموجب نظامنامه نشود بآن رأی گرفت این يك پیشنهادی است که نظامنامه این را تصریح کرده است و حالا بسته برای آقایان است. رئیس - پیشنهادات دیگر خوانده میشود: پیشنهاد آقای طباطبائی.

پیشنهاد میکنم از ماده ۶ حبس تأدیبی حذف شود و مبلغ جریمه از ۵۰ تا پانصد ریال تعیین شود.

رئیس آقای طباطبائی (وزیر فرهنگ - بنده قبل از فرمایش آقای طباطبائی پیشنهادشان را قبول میکنم)

طباطبائی - اجازه بفرمائید. (همهمه نمایندگان) آقای وزیر قبول کردند دیگر حرف ندارد آقا) اجازه بفرمائید اگر مجلس موافق باشد با حذف این ماده بنده این پیشنهاد را پس میگیرم بنده معتقدم که جریمه ای نباشد با آقای وزیر فرهنگ قبلاً صحبت کردم که حبس حذف شود و جریمه هم تخفیف پیدا کند آنوقت که آقا موافقت کردند بنده این پیشنهاد را کردم که مبلغ جریمه از ۵۰ تا ۵۰۰ ریال باشد. ولی حالا که عواطف آقایان را دیدم و همه موافق هستیم که جریمه اجلاً بپاشد یا تخیلی نکند باشد این بود که از آقا تقاضا کردم که پیشنهاد من را اصلاح

کنند از ۵۰ تا ۱۰۰ ریال کنند و این را بنده يك پاداشتی هم دادم خدمتتان که تا ۱۰۰ ریال باشد و این چیزی بدست که مورد نگرانی باشد خواهش میکنم با این پیشنهاد موافقت کنید. (بعضی از نمایندگان - رأی رأی)

مخبر - بنده استدعا کردم از آقایان که به پیشنهاد آقای بهبهانی رأی گرفته نشود چون اگر رأی گرفته شود و تصویب شود سایر پیشنهاد هائی که در این موضوع شده است هیچ میشود اما از آقای طباطبائی بنده تعجب میکنم که این پیشنهاد را کرده اند در صورتیکه ما قبول کردیم دیگر احتیاج توضیحی نداشت. (بعضی از نمایندگان دو مرتبه قرائت شود)

رئیس - پیشنهاد آقای طباطبائی دو مرتبه قرائت میشود (بشرح سابق قرائت شد)

طباطبائی - همانطور که عرض کردم پاداشت هم دادم تا صد ریال باشد. همان زیر پیشنهاد مبلغ را نوشتم تا صد ریال. آقای سمیعی اصلاح بفرمائید.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - مطابق نظامنامه پیشنهاد پولی که میشود در مواد از اول باید مبلغ کمتر را رأی بگیرند یکی یکی اگر قبول شد که قبول میشود و دیگر بالا ترش خوانده نمیشود ولی اگر قبول نشد مبلغ بالاتر را رأی میگیرند بنابر این پیشنهاد هائی که در این ماده برای جریمه شده است آن که از همه کمتر است اول باید رأی گرفت اگر قبول نشد آن که يك قدری بیشتر است آن قرائت میشود و رأی گرفته میشود همانطور بتدریج پیش میرود این را بنده خواستم تذکری داده باشم.

قبیل سمیعی - اینجا پیشنهادی از آقای انوار است که کمتر از مال آقای طباطبائی است.

رئیس - پیشنهاد آقای انوار: پیشنهاد میکنم در ماده ۶ در سه بار دوم بهتر از کلمه بسیار اضافه شود پس از اخطار از طرف دبستان. پیشنهاد میکنم در ماده ۶ کلمه بسیار تبدیل به کلمه رواه بگردد.

پیشنهاد میکنم در ماده ۶ مبلغ از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال تبدیل بشود به از ۱۰۰ تا ۵۰۰ ریال.

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۶ چنانچه ولی تظقل زن باشند تا آخر ماده حذف شود.

دشتی - پیشنهاد آقای بهبهانی را بخوانید و رأی بگیریم.

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی: بنده پیشنهاد میکنم ماده ۷ بجای ماده ۶ گذارده و مطرح بشود.

مخبر - فایده ندارد این باید یکی یکی خوانده شود و رأی گرفته نشود تا تکلیف معلوم شود. بنده تقاضا میکنم اول به پیشنهاد آقای طباطبائی که مورد قبول شد رأی گرفته شود.

رئیس - پیشنهادی که کمتر باشد از حیث مبلغ پیشنهاد آقای انوار است.

دشتی - من فقط يك تومان کرده ام مال بنده را اول باید رأی بگیرند.

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی من پیشنهاد میکنم مبلغ جریمه فقط ۱۰ ریال باشد.

رئیس - آقای دشتی.

دشتی - عرض کنم که اولاً این را جسارت میکنم که عرض میکنم و از آقایان خواهش میکنم که توجه بفرمایند مجلس شورای ملی مجلس مناظره و مجادله و سخنوری نیست موضوع حل قضیه است و باید با این نظر موافقت کرد که مطلبی را که دولت قبول کرد دیگر معنی ندارد شخصی باز برود پشت تریبون و حرف بزند. چیزی که مسلم است این است که مجلس موافق نیست يك جریمه زیادی از برای این کار تهیه بشود چرا؟ برای اینکه معمولاً مأمورین ما تخیلی استعداد دارند برای شمر خوانی و این يك وسیله خوبی است که برای شمر خوانی بدست مأمورین دولت میدهم که بچه بد بخت که نزد بنمدرسه مأمورین میروند میزنند توی سرش يك مبلغی هم ارزش پول میگیرند و نظر مجلس غموماً این است. از طرف دیگر آقای وزیر فرهنگ يك نظر

صحیحی دارند و میگویند قانون بی مجازات نمیشود و از طرف دیگر میخواهیم که اجباری باشد پس این يك حرف صحیحی است و اینک بنده عرض کردم که مسیکوت بماند برای این بود که گفتم این از سال اول کار باینجاها نرسد که وزارت فرهنگ مجبور شود بچه های مردم را بگیرد بیسورد درس بدهد برای اینکه ممکن است ۷ سال یا ۸ سال دیگر طول بکشد تا کار باینجا برسد که وزارت معارف برود و مجبور کند مردم را. ولی گمان نمیکم حالا اینقدر وسائل داشته باشد وزارت معارف که برود این کار را بکند و بچه های مردم را بگیرد ببرد مدرسه درست بکند و بهشان درس بدهد بعداً در حین عمل هر قانونی لازم شد بیسورد بمجلس و تصویب شود. زیرا بهترین قوانین آن است که در موقع عمل و احتیاجات وضع شود پس هر وقت که دیدند لازم است يك مجازاتی برای متخلفین در این قانون وضع شود آنوقت يك قانونی میآوردند ولی حالا در این موقع جایز نیست که این ماده تصویب شود. اگر از اول از این ماده شش صرف نظر کرده بودند راحت میشدند الا آن در این ماده هم نظران کاملاً صحیح است باید سانکسیون و مجازاتی در ماده باشد ولی تصور نمیکنم باین زودی ها وسایل پیدا بشود خود وزارت معارف باین زودی ها اینقدر وسایل ندارد که بتواند تمام اطفال را بیسورد و درس بدهد و در نتیجه یکمده متخلف خواهند شد و بنظر بنده باید حتی متخلف را هم در یکی دو سال اول مجازات نکنند سالهای بعد اگر وسایل فراهم شد و شاگرد هم کم بود البته چون باید تمام بچه های مملکت را درس بدهند آنوقت ممکن است وزارت فرهنگ يك ماده مجازاتی بیسورد اینجا اگر هم موافق هستند که این جریمه بشود خوبست منحصر بکند بجریمه نقدی که از يك تومان شروع بشود و حبسش را هم حذف بکنیم و استدعا میکنم سایر پیشنهاد ها را هم آقایان صرف نظر بکنند و بگذارند این ماده بگذرد و راحت بشویم (صحیح است)

ضمن عمل اگر يك چیز هائی می بیند پیشنهاد اصلاح بکند مانعی نخواهد بود همین پیشنهاد را قبول بکنند و بعد اگر وزارت فرهنگ لازم دید پیشنهاد بکند فعلاً مانعی ندارد که همین مقدار باشد. رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دشتی.

وزیر فرهنگ - اجازه میفرمائید حقیقت امر این است که پیشنهاد آقای دشتی موافق نظر بنده نیست ولی چون بنده جسارتاً باید عرض کنم خسته شدم از این ماده و مواد دیگر جلسه قبل هم يك ماده تصویب شد آنجا هم همچو دلسوزی بحال مردم نبود که جریمه در کار باشد در این ماده هم تصدیق می فرمائید خیلی زیاد مذاکره شد پیشنهادات زیادی هم هست اگر قرار بشود بهمه رأی گرفته شود تا جلسه دیگر هم طول خواهد کشید بنده برای اینکه زودتر این قانون بگذرد پیشنهاد آقای دشتی را قبول میکنم بشرط اینکه سایر پیشنهادات را آقایان پس بگیرند.

مخبر - چون نظر مجلس محترم است بنده هم قبول میکنم **رئیس** - موافقین با ماده شش با این اصلاحی که شد برخیزند.

امیر تیمور - حبس حذف شده است حبس حذف شده است.

مخبر - بلی حبس حذف شد آقای.

وزیر فرهنگ - بلی حذف شده است.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم:

ماده ۷ - در هر نقطه که دبستان دائر میشود که وزارت بهداشت و شهرداری محل باید با نظر وزارت فرهنگ وسایل معاینه طبی دانش آموزان را بقسمی فراهم سازند که هر يك از آنان در عرض سال تحصیلی لااقل دو بار مورد معاینه پزشک واقع شود و نیز مکلفند وسایل مداوای مجانی دانش آموزان بی بضاعت خاصه مبتلایان تراخم را فراهم سازند.

رئیس - آقای اوحدی.

اوحدی - در عین حالی که این ماده را خیلی مادم خوبی میدادم فقط سؤال میکنم از آقای وزیر فرهنگ که ضامن

است که اگر در بعضی ولایات و شهرهای کوچک بروید واقفاً تعجب میکنید که این منازل از آن کارخانه های قالی بافی هم بمراتب مضرت است، دوم آب مشروب آنها است آب مشروبی که تمام اطفال میخورند باید مورد توجه قرار بگیرد و برطبق اصول صحی آب آنها اداره بشود و اصولی هم که امروز در دست هست برای تصفیه آب خیلی کار مشکلی نیست سوم این است که کلیه مأمورین صحی را بنده پیشنهاد کردم از ولایات و دهات مکلف باشند مراقبت کامل در وضعیت صحیه مدارس بکنند و این جزء وظیفه و مأموریت آنها باشد این عرض بنده بود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

پیشنهاد آقای دکتر ادهم

پیشنهاد میکنم در ماده ۷ بجای «در عرض سال تحصیلی لااقل دوبار» نوشته شود «لااقل ماهی يك بلی» مورد معاینه پزشکی واقع شود الی آخر.

رئیس آقای دکتر ادهم

دکتر ادهم - چون اینجا دارد که در عرض سال دوبار لااقل معاینه بشوند ممکن است در این فاصله اطفالی مریض باشند از قبیل امراض مسریه تراخم کچلی و غیره باین جهت دوبار خیلی کم است بهتر این است که لااقل ماهی یکبار و در صورتی که ممکن بشود باید اقل هفتگی یکبار بشود ولی چون وسایل کافی نیست همان ماهی یکبار باشد

وزیر فرهنگ - با وجود اینکه مدارس ما امروز خیلی کم است بنده خواستم عرض کنم سالی دوبار هم ما موفق نمی شویم و اینکه اینجا نوشته شده است لااقل سالی دو بار برای این است که حتی الامکان بعمل نزدیکتر باشد ولی مانعی نخواهد داشت که هفته ای یکبار هم بچه ها را معاینه بکنیم و البته باید سعی بکنیم که بچه ها در دبستانها هفته ای یکبار معاینه بشوند و این که در قانون گذاشته شده است برای این است که الزام باشد و سالی دوبار را مجبور باشد و الامکان است اگر وسایل فراهم شد هفته ای یکبار هم باشد؟

دکتر ادهم - با این ترتیب که می فرمائید بنده پس میکنم:

پیشنهاد آقای دکتر ملک زاده:

بنده این را پیشنهاد میکنم - مأمورین بهداشت عمومی مکلفند که در هر محل بهداشت دبستانها را مخصوصاً آب مشروب و مکان و بهداشت اطفال را مخصوصاً از نظر امراض واگیر تحت مراقبت کامل قرار بدهند.

پیشنهاد آقای رضوی:

پیشنهاد میکنم تبصره زیر بماده هفت اضافه شود تبصره دولت و مخصوصاً وزارت بهداشتی مکلف است هر جا تعلیم اجباری شروع میشود وسایل اولیه بهداشتی را تهیه و در دسترس استفاده وزارت فرهنگ بگذارد!

رئیس - آقای رضوی.

رضوی - چیزی که باید در شهرستانها محل توجه باشد نماینده وزارت بهداشتی است اساساً وزارت بهداشتی در مملکت ما وزارت نوزادی است و حال آنکه قدم اول عمران و آبادی و مهمتر از همه قسمت ها کار بهداشت بوده که باید تحت مراقبت قرار بگیرد و بایستی بودجه کافی برای این کار تصویب شده باشد برای اینکه بتواند این بچه ها را نگاه بدارد تا بسن شش سالگی برسند و بتوانند مدرسه بروند و اگر برسیل قضا و قدر اطفالی بسن شش رسیده باشند لااقل برای این ها وسایل امراض در مدرسه فراهم نکرده باشند بلکه جلوگیری بکنند که مدرسه کانون امراض نشود خطر ناک ترین موضوعی که ممکن است تعلیمات اجباری برای مملکت پیش بیاورد این است که اگر با بهداشت توأم نباشد این بچه ها که با هوای آزاد میتوانند با امراض يك قدری مقاومت بکنند وقتی در مدرسه اجتماع کردند وسایل بهداشتی شان فراهم نبود بطور قطع وسیله سرایت امراض بهتر و بیشتر فراهم میکرد باین مناسبت بنده عقیده دارم که این تعلیمات اجباری که يك عملی نیست که تفنناً انجام بگیرد بالاخره بودجه ای خواهد داشت و نباید بودجه ای در نظر گرفته شود تا بتواند این کارها را انجام بدهند بنده معتقدم که بودجه ای برای جاهائی که تعلیم

اجتهاد میفرماید شروع شود در اختیار وزارت بهداری بگذارند تا وزارت بهداری هم وسایل بهداری و اساس را از لحاظ پزشکی فراهم بکنند بنده مکرر عرض کرده ام نمونه وضع قوانین ما در مملکت نوعاً شهر تهران است همه ما تهران را می بینیم و آنوقت فکر میکنیم وقتی قانون مینویسیم همه را روی این اصل میشود اقدام کرد و پیشرفت هم داشته باشد بنده عرض میکنم صد فرسخ که از تهران دور شویم حالا جائی را که بنده خودم بلد هستم از چهل فرسخ که از سر حد فارس عبور کنید یک محیطی وجود دارد که اساساً تهران آن را نمی شناسد در آنجا پست نیست تلگراف نیست سایر وسایل فراهم نیست

رئیس - آقا توضیحات شماربطی به پیشنهادتان ندارد .
رضوی - آقا توجه بفرمائید ارتباط کافی دارد مقصود بهداری بود بنده باید توضیح بدهم برای اینکه ارتباط بدهم شما تعلیمات را وسیله قرار میدهید و میخواهید وضع قوانین برای ولایات بکنید آنوقت این قوانین در شهرستانها موجب سوء استفاده میشود بنا بر این چون مادر ماده حرف میزنیم آقای وزیر فرهنگ تصور میکنند که ما مخالف این قانون هستیم ما خودمان بجنابعالی پیشنهاد کردیم اصرار کردیم که این قانون بگذرد ولی باید قانون عملی باشد نه اینکه روی کاغذ بیاید اگر منظور روی کاغذ نوشتن است که خیلی بیش از این مواد هم میشود روی کاغذ نوشت ولی واقعاً باید قانون عملی باشد . باید در این موضوعاتی که تذکر داده میشود مطالعه و دقت کرد

رئیس - همینطوری که فرمودند باید قانون عملی بشود ولی باید طوری عمل شود که آن کسی که موظف باین کار است از عهده بر آید اگر بنویسیم وزارت بهداری مکلف است این کار را بکند ممکن است از عهده بر نیاید
مخبر - دو پیشنهاد شده است یکی مال آقای دکتر ملکزاده که با جناب آقای وزیر مذاکره کردیم قدری اشکال دارد قبولش بدیهی است آن چیزی که جنابعالی پیشنهاد کرده اید الان در شهرستانها مورد عمل است الان

در دبیرستانها و دبستانها سالی چند مرتبه اطفال را معاینه میکنند نسبت بسایر جاهائی که وسایل بهداشت نیست در قانون دارند پیش بینی میکنند و باید دولت همه وسایل را فراهم کند این تردید ندارد حالا این قسمت را مطالعه بفرمائید اگر ممکن است پس بگیریید . آقای رضوی هم پیشنهادی کردند اینها در واقع مربوط با اجرا میشود ما یک قانون کلی مینویسیم برای اینکه قانون اساسی تعلیمات عمومی را مجلس وضع میکند حالا کیفیت اجرای این مربوط بهر یک از وزارتخانه باشد وسایل آن را تأمین میکنند ولی ما اگر حالا ترتیب اجرا و تهیه وسایل را در اینجا پیش بینی کنیم این وسوسه قانونی است و ما را معطل میکند

رئیس - آقای دکتر ملکزاده
دکتر ملکزاده - آقای وزیر فرهنگ گویا توجهی به پیشنهاد بنده فرمودند من عرض کردم در جاهائی که شما مأمورین صحنی دارید اغلت در قصابات مأمورین صحنی هستند و آنها هم بدهات رسیدگی میکنند یکی از وظایفشان این باشد که باید رسیدگی بکنند بوضعیت صحنی این دبستانها که محلی که انتخاب میشود مطابق اصول صحنی باشد بنده میدانم این چه مانعی دارد قبولش من خواهم میکنم از دولت و مجلس که نظر اهل فن را هم در کارها قبول کنند
وزیر فرهنگ - پیشنهادی که آقای دکتر فرمودند موضوع را مورد توجه قرار داده ایم در آئین نامه هم باشد بهتر است .

دکتر ملکزاده - بسیار خوب پس میگیرم .
رضوی - بنده هم مسترد کردم .
رئیس - موافقان با ماده هفتم بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده هشتم :
ماده ۸ - دولت مکلف است همه ساله اعتبارات لازم را در بودجه کل کشور برای ساختمان و تأسیس و نگاهداری دبستانها و تربیت آموزگار و بطور کلی تأمین اجرای این قانون در مدت مقرر پیش بینی نماید .
تبصره ۱ - شهرداریها مکلفند در حدود قوانین مربوطه در

تهیه وسایل ساختمان مدارس و توسعه معارف طبق آئین نامه مخصوص با وزارت فرهنگ تشریک مساعی نمایند .
تبصره ۲ - ساختمان همه دبستانها مطابق نقشه هائی خواهد بود که مهندسین مخصوص وزارت فرهنگ باید متناسب با آب و هوا و موقعیت نقاط مختلف کشور تهیه نمایند در قری وقصات ساختمان دبستانها با مساعدت مالی مالکین طبق آئین نامه مخصوص بعمل خواهد آمد .

رئیس - آقای افشار
افشار - عرضی ندارم موافقم
رئیس - آقای مهدوی
مهدوی - بنده هم عرضی ندارم
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود
پیشنهاد آقای دکتر ادهم :

در تبصره ۲ ماده هشت بعد از نقاط مختلفه کشور اضافه شود (با رعایت اصول بهداشتی در ساختمان) تهیه نمایند
الی آخر

رئیس - آقای دکتر ادهم
دکتر ادهم - بنده راجع به تبصره دوم ماده هشت پیشنهاد کردم ساختمانهای که میشود برای دبستانها طبق اصول بهداری بشود برای اینکه خاطر آقایان مستحضر است مدارس و دبستانهای که ما داریم اغلب طوری است که رعایت اصول بهداری در آنها نشده است جاهای مرطوب و تاریک از نظر صحنی اطاقها سقفش کوتاه و مطابق بهداشت نیست یا بتعداد متر مکعب که برای تنفس لازم است نیست این است که بنده پیشنهاد کردم بعد از آنجائی که نوشته شده است مطابق نقشه هائی خواهد بود که مهندسین وزارت فرهنگ تهیه نمایند نوشته شود با رعایت اصول بهداشت یعنی از حیث تنفس روشنائی آب و هوا متناسب با نقاط مختلف کشور باشد که نظر صحنی در آن رعایت نشده باشد

رئیس - آقای امیر تیمور
امیر تیمور - این چون مربوط به کمیسیون بودجه است و بنده مخبر هستم باید جواب عرض کنم گویا آقای دکتر

خاطرشان نیست که بنده در شور اول توضیحات عرض کردم اینک نوشته میشود ساختمانها مطابق نقشه هائی است که مهندسین مخصوص وزارت فرهنگ ترسیم میکنند مقصود این است که این نقشه ها با مقتضیات محل و آب و هوای هر نقطه وفق بدهد و چون ساختمان همه جا تحت نظر متخصص فنی خواهد بود تمام جهات رعایت خواهد شد و نظر جنابعالی هم از هر جهت تأمین خواهد شد معذالک مانعی ندارد .

مخبر - بنده قبول میکنم
وزیر فرهنگ - بنده هم قبول میکنم .
پیشنهاد آقای رضوی
پیشنهاد میکنم در تبصره دو ماده هشت کلمات (مخصوص وزارت فرهنگ) حذف شود
رئیس - آقای رضوی

رضوی - بنده عقیده خودم است خواستم عرض کنم آیا وزارت فرهنگ یک اداره مهندسی دارد یا ندارد اگر ندارد البته باید تأسیس بکند و مهندسین معین بکنند که برای دبستان چه بنائنی لازم دارد و هر نقطه از ایران یک مقتضیات مخصوص دارد این ضروری ندارد قبول بکنند قبول نکنند پس میگیرم

مخبر - بلی فعلاً یک قسمت برای مهندسی است و باید تکمیل شود چون این قسمت لازم است .
رضوی - مسترد میکنم
رئیس - رأی میگیریم بماده هشت با اصلاحی که شد آقایانی که موافقت بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده نهم

ماده ۹ - برای تربیت و تهیه آموزگاران بعد از کافی از اول سال تحصیلی ۱۳۲۲ وزارت فرهنگ مکلف است اقدامات زیر را بعمل آورد .
الف - در سال اول دانش سرانهای مقدماتی لااقل یک نوبت بیشتر از سالهای پیش دانش آموز واجد شرایط پذیرد و در صورت لزوم کلاسها را متعدد کند
ب - در شهرهائی که فعلاً دانشسرا نیست در صورت